

Jomhuria Test–texts 1

June 23, 2015

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش ساده مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از ناپیوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و بویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر: تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»‌ها و «آداب‌المشق»‌ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند.[۵] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفه بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاغ و توقیع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شان.[۷]

یک قرن بعد از ابن مقفه، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی

درحالی که عمده تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوه نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایستقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات تخریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کاررفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور متشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند، اما اوج هنرنمایی آنان – بر خلاف خوشنویسان ایرانی – در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استرآبادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بمطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور متشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با ناکید و توسعه سیاه‌مشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از گنج کاتبخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۴۹ تشکیل شده بود نقش بزرگی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی – ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سبجان مهرداد محمدپور اشاره کرد . خط سبجان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می‌باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية. وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) ۱۹۹۶: ۱۲). والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla) ۱۹۹۶: 18). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد في إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) ۱۹۶۸: ۴۴۱). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فریزر و Kwiatkowski ۲۰۰۶: جونستون ۱۹۰۹: بلايت ۶).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أوة تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) ۱۹۹۶). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء؛ وهي تاريخيا حروف منظمه ومع ذلك سلسة وتلقائية ومرتبلة في لحظة الكتابة (بوت ۲۰۰۶ و Zapf ۲۰۰۷: ۲۰۰۶).

و يستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفن الخط، والنقش على القطع الحجرية ووثيقة العزاء. ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات

الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم. مشطوف الرأس والمذنب والريشة. وهناك المصبره عبارة عن خبز زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من أدوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية

الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة. مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخزف، الرسم، الرسم الفني، النحت، العمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية. بالإضافة إلى أنواع أخرى. وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة.

والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية. ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجال لفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الأشغال اليدوية والحرفية. أو من يطبق صوابه الفن. وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الأمتع. الحركة تتناقض مع المحتررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إبقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة (10أد:0/} أو قالب:DN. للتحريك. لا استكشاف مكونات متعددة، للطباعة (بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، أداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية. و. نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسابي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته، وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي.

استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، مخرجين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخططة الصفحة أقل وضوحا بفعل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة.

آرت

آرت ايسے کم یا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوینیاں لگن۔ آرت دی بنی شی کوئی کھانی دسدی اے یا صرف کوئی سوینا سج یا مسوس ہون والا جذبہ۔ انسانیکلوپیڈیا بریٹانیکا آرت نوں اینج دسدا اے۔ "اوہ سوینیاں شیواں، محول، یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ نے گر نوں ورتیا گیا ہونے"۔ ایتھے آرت وچ مورٹاں، (Painting) بنی بنانا (Sculpture)، تے فونوگرافی آندے نیں۔ آرکیڈیچر نوں وی ویکھے جان والے آرت وچ گنیا جاندا اے پر اوہدے وچ اوس شے نے کم لینا اوہدے بنان دا مذہ ہوندا اے۔ موسیقی، تھیٹر، فلم نوں آرت نال رلایا جاسکدا اے۔

آرت فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہنوں دسنا آندے نیں۔ آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے پور تک اپڑان لئی۔ ارسطو دی فلاسفی وچ آرت اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ لیو ٹالسٹائی ایہنوں اک ہندے توں دو جے ہندے تک کل اپڑان دا پنھا ول کیندا اے۔ مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے۔

تريخ

وينس ولندورف

آرت دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لہدے نیں وینس ولنڈورف 24.000 توں 22.000 م پ دی اک زنانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لہی سی۔ اےسکو، فرانس وچ زمین دے اندر غاراں وچوں 17.300 ورے پرائیاں جانوریاں تے انساناں دیاں مورتاں کنڈاں تے بنیاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے۔ وشکار، پتھر ویلہ 6000–8000 م پ لنگان تے نیولتھک ویلے 3000–6000 م پ وچ انسان نے والی بیچی تے اک تھان تے دک کے رہنا سکھیا، ریتلاں کنجلیاں بویاں تے مذہب نے وی مانتا پائی تے انسان نے اپنے فیدے لئی ہتھ نال کئی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے 1000–3000 م پ وچ پھلیاں انسانی ریتلاں یونگریاں۔ پرانے مصر، پرانے عراق، فارس، بڑپہ ریتل، چین، پرانے یونان، روم تے انکا تے مایا دیاں ریتلاں نے اپنیاں آرت دیاں ریتاں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے گول ہون والیاں شیواں توں بنایاں۔ آرت اودوں لکھائی دے بن نال بُردا اے۔ لکھائی اپنے مذہ ویلے توں تے ہپار دے کم نوں سوکھا تے لین دین نوں یاد رکھن لئی بنی۔ لکھائی پہلے مورتاں نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوہناں نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے۔

پرانہ عراق

پرانے عراق دا آرت جدہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورے پہلے توں اوتھے یونکرن والیاں اشوری، سمیری، کالدی، ریتلاں وچ بنیا۔ ایتھوں دے آرکیٹیکچر وچ ات تے ذات دا ورتن سی تے ایدے نال زکورت، مندر تے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے گئے۔ محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سوہنے رکھ لائے گئے جیہڑے پرانی دنیا دیاں 7 نویکیلیاں شیواں وچوں سن۔ بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشی دہکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانوراں نال بنائے جاندے سن۔ سمیری ویلے وچ نکیاں بتیاں جناں دے کنارے تگھے، رنگے پتھر دیاں، گنجے سر تے چھاتیاں تے ہتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے داڑیاں سن جیویں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بتیاں نوں لگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر تے ڈوبی تے ہتھ چھاتی تے رکھے نیں۔ اشتر یوآ جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکیٹیکچر آرت دی وڈی نشانی اے تے ایذا کج حصہ پرگامون میوزیم، برلن وچ ہے۔

گیوئل شیرنی 5000 ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے۔ عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پھمے تے لکھن دا ول بننے گئے۔ دکھنی عراق وچ ارگ وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے بنیاں مورتاں کھانی سناندا اک نویکلا ول سی۔ ایہ مہراں پتھر مٹی یا کسے بورشے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوں لہی کوئی 3800 ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پنجھی ورگے دوالے پیر، سچے کھسے شیر تے الو نیں ۔ گڈیا دی بتی 2144 – 2124 م پ ورے پرانی اے۔ اردا سٹینڈرڈ، کھڑی بکری، تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرت دیاں منیاں پرمنیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ توں دسدے نیں۔ کلکامشی 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کھانیاں نیں۔ انزابسس، اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ بز آن دی کھانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں مٹی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنن دی کھانی دتی گئی اے۔

پرانہ مصر

ملکہ نیفریتیتی

پرانہ مصری آرت 5000 م پ توں لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ریتل دی نشانی اے تے ایہدے وچ مورتاں، بتیاں، آرکیٹیکچر تے رلدیاں چیزاں اندیاں نیں ۔ ایہ مصری آرت پرائیاں قہراں تے یادگاری تھانواں توں لہیا تے ایج ایہدے وچ مرن مگروں جیون تے پرانی جانکاری نوں بچان تے زور اے۔ ایہ آرت 3000 م پ توں لے کے تیجی صدی تک تے اچییے دوسرے تے تیسرے تیر ویلے وچ بنیا۔ 3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایذا تے باہر دا کوئی اثر ناں ہیا تے جس ودیا ول نال ایہ تریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا۔ ایس ویلے دا منیا آرنسٹ پیپلو پکاسو مصری آرت توں اثر لیندا اے۔

مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایتھے بنیاں مورتاں ڈھیک ملیاں نیں۔ مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جاناں جان والیاں رامسیس II، اخناتون، نیفریتیتی، اوسکورن II، امنھونپ III، منگار تے تننخامون نیں۔ مصری پانڈے پتھر توں لے کے مٹی نال بندے سن تے اوینے تے کالے یا رنگے نقش بنے ہوندے سن۔ ایہناں وچ عام گروچ ورتن دے پانڈے مرتبان، کڑے نیں۔

مصری مندرآں، محلاں، برماں، قبرآں، تے بور کوٹھیاں نوں بنان وچ ات، لائم پتھر، ریتلا پتھر تے گرینائٹ ورتے گے۔ لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایذا ورتن تھوڑا اے۔ خوفو دا ابرام، ابوالھول، کرناک، لکسر، ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں۔ مصری لکھتاں تے مورتاں بنان لئی پیپائرس ورتدے سن۔ ایہ اک ہونے توں بنایا جاندا سی۔ ایדיاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا بور کلاسیکی دنیا وچ وی ایذا ورتن سی پر برکتے بور ناں ریاں۔

پرانہ یونان

پرانہ یونانی آرت بتیاں، آرکیٹیکچر، پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں۔ یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے سن۔ پانڈے جناں وچ مرتبان تے پلٹیاں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہوندیاں سن۔

یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان، سادگی، سونپ وچ اپنی ادھارن آپ اتے۔ پروگرامون، پارٹھینن، پیفسٹس دا مندر ویکھن والیاں تھانوان نیں۔ مانگو دی وینس، سیمونٹھریس دی ٹائیگے، یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں۔

دکھنی ایشیاء

دکھنی ایشاء وچ آرٹ دی ریت بڑیہ ریتل توں نرڈی ہوئی اچ دے ویلے تک اپڑدی اتے۔ بانڈے بتیاں آرکیٹیکچر، مورتاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اتے۔ مہنچودازو دی نجدی کڑی، پنڈت بادشاہ، مہراں جنھان تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوئے سن، تے مٹی دے وڈے مرتباناں تے بانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وگھالہ نیں۔ بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رلی اتے۔ اجنتا دے غار پراہی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اتے۔ ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو، شیوا، لگشمی، گنیش، بنومان، اندرا، رام تے سرسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندران تے کراں وچ رکھدے آئے نیں۔ اتکے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے آرکیٹیکچر دی وڈی تھان سی۔ ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال ابھناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اتے۔ مغل راج ویلے دے دوالے نیں تے مورتاں مغل بادشاہاں تے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بتیاں نیں۔ کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورتاں بنان دے مغلان مگروں وکھرت سکول سن۔ مورتاں دے ول توں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چارنیا۔ قطب مینار قلعہ بادین ایک دی جنت نے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اتے۔ آرکیٹیکچر وچ پراہے قلعیاں مندران دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیٹیکچر ہندستان دی پہچان ہندا اتے۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالہ مار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیٹیکچر دے کج نشان نیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : یہ ایک فن ہے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1] اس فن کو اسلام سے جوڑ دیا گیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سرائی گئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذیری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا۔ عثمانیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا۔ دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ہے۔ رفتہ رفتہ، ’رقع‘ خط کا ارتقاء ہوا۔

اشیاء خطاطی[ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”برو“ یا ”بانس“ یا ”ہمو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی نوک، حروف کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہبہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم]

اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر گنبدوں پر، اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر۔ فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ – محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية al-ʿarabiyyah یا عربي /لغة عربية arabī)، سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصحی عربی قدیم زمانے سے ہی بہت

ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان بولنے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ۔ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دانیں سے بالیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔

language) (Arabic

حروف تہجی

حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جورتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضطغ۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزہ (ء) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ، بھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ کوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً 'پ' کے اعداد 'ب' کے برابر، 'ذ' کے اعداد 'د' کے برابر، 'ک' کے اعداد 'ک' کے برابر اور 'ع' کے اعداد 'ق' کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔